Discourse Analysis of Citizens’ Rights in the Context of Governmentality Post-Modern Thought

Arian Petoft¹, Parviz Dehghani²

Abstract

By changing the role and responsibilities of governments in the post-modern era and empowering a system based on governmentality, a citizenship right was also reconceptualized. Today, with the emergence of the idea of global citizens who have an active role in the field of governance, we are witnessing new instances of fundamental rights and freedoms that were not previously customary. Establishing a good governance system and realizing a platform for active citizenship are the two basic steps in the functioning of post-modern states. The main question posed in the system of current legal thought is the definition of concept of newly emerged citizen right. In this paper, we will prove that the components of good governance in the core discourse of modern citizen rights could be defined in the context of cosmopolitan system that highlights the citizen's presence in the realm of plural governance including widespread national and international economic, social, political and administrative activity.

Keywords
Citizenship Rights, Good Governance, Good Administration, Governmentality, Post-Modern Era


1. Assistant Professor, University of Maragheh, Faculty of law, Public Law, East Azerbaijan, Iran; Gastforscher, Universität Speyer, Rheinland-Pfalz, Germany. (Corresponding author) Email: arian_petoft@ut.ac.ir

2. Assistant Professor, University of Maragheh, Faculty of law, Private Law, East Azerbaijan, Iran.

Original Article Received: 1 February 2018 Accepted: 25 August 2018
تحلیل گفتگو حقوق شهروندی در گستره اندیشه پاسپن حکومتی مدرنی

چکیده

با تغییر نقش و مسئولیت دولت در عصر پس از معاصر اداره حکومت و تقویت نظام مبتنی بر امروزه حکومت مدرنی در ساختار دولت فرانسوی، حقوق شهروندی نیز مفهوم نوین یافته است. امروزه با ظهور استیتیکی حقوق شهروندی جهانی و فعال در عرصه اداره امور کشور، علاوه بر گسترده‌گی دانه‌های حقوق شهروندی، شاهد مشارکت نوینی از حقوق و آرای‌های بنیادین هستند که یکی از این امر مورد نیوتن به‌نوعی ایجاد نظام حکمرانی مطلوب و حق بستری برای افراد حقوق شهروند در عرصه اداره امور کشور دو گام اساسی در عملکرد دولت‌های پست‌مدرن است که به دلیل ایجاد تحلیل قدرت اندیشه حقوق شهروندی بررسی نظری مفهوم ان را بیش از پیش در حقوق امروز حائز آهسته‌تر کرده است. سوال اصلی مطرح‌های تنظیم‌های حقوقی اینست که آموزه‌های جهانی حقوق شهروندی چه مفهومی از حقوق شهروندی خلق و ظهور یافته است. در پی نیل به پاسخی روشن به این سوال، در این مقاله نمای مقدمه‌ای نظری مفهوم نوین حقوق شهروندی در عرصه پست‌مدرن حکومت به تصویر کشیده شود. در این مقاله آورده شد که موفقیت‌های حکمرانی مطلوب که سرمایه تکافی دولتهای نوین قرار گرفته، استخوان‌های اصلی حقوق نوین شهروندان در عرصه کانونی حکمرانی را نیز تشکیل می‌دهد و گسترده‌گی این حقوق را می‌توان در یک نظام جهانی وطنی یافته که حضور پربرنگ شهروند در قلمرو حکمرانی متکر ملی و گرامی را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی اداری رقم می‌زند.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، اداره شایسته، حکمرانی خوب، حکومت‌مدور، عرضه پست‌مدرن

1. استادیار، دانشگاه مراغه، گروه حقوق عمومی، آرای‌بانگان صنعت، ایران؛ پژوهشگر تخصصی
دکتر علی‌محمد، ایالت رایتلند فالس، آمریکا (توضیحات مسئول)

Email: Arian_petofte@ut.ac.ir

2. استادیار، دانشگاه مراغه، گروه حقوق عمومی، آرای‌بانگان صنعت، ایران

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: 11/11/1396 نوبت مقاله: 12 تاریخ پذیرش مقاله: 1397/6/2
مقدمه

در جهان متحول امروز، مفهوم نوین حاکمیت تحت مضمون حکومت‌مداری موجب تغییر نش و مسئولیت دولت، نسبت به آنها تا پیش از قرن بیست و یکم ایفا می‌کرد، شده و نش افرینی شهروندان در عرضه اداره امور کشور، هسته اصلی آن را تشکیل داده است. عده دولت‌های پیشرفته امروز با ضوابط قانونی تلاش می‌نمایند تا از رهگذری‌های صاری کسرته امروز و ایجاد روابط قابلی در حیطه یک قدرت جهانی از کشور و با نیزی به هم‌جودی حکمرانی مطلوب و نیز مهارت حاکمیت‌شدن از سوی دیگر، حضرت شهروند را در متن اداره امور کشور پررنگ نموده و از این طریق علاوه بر تقویت نظام توسعه، امکان ایجاد مؤثر حقها و آزادی‌های فردی را برای مردم فراهم نمایند. این مهم نیازمند الگوی جدیدی است که بتوان از همه نظریات حاوی جامعه در بخش‌های دولتی و خصوصی استفاده نمود تا خدمات عمومی با کیفیتی و اندکی به شهروندان ارائه شود. امروزه دولت‌های برای مدیریت و اداره امور جامعه علاوه بر زمینه‌سازی برای توسعه دموکراتی، نهاد و عضویت به مؤلفه‌های اداره به‌همه‌امور عمومی داشته و در این راه به شکل نازاری از حکومت دست یافته‌اند.

همچنین اداره شایسته و نیز الزامات تحقق حکومت‌مداری در عصر کنونی موجب تحویل شگرده در مفهوم و مصاديق حقوق شهروندی شده است که عده این اقلاب پس‌سربندی را می‌توان مرهون دولت‌های قانونی و اندیشه جهانی بدنی دانست. سؤال اصلی مطرح‌های نظام اندیشه‌های حقوقی کنونی ایستاده که امروز مجه‌دار حقوق شهروندی خلق و ظهور یافته است، مسئله اصلی در عده اندیشه‌های حقوقی امروز در باب حقوق شهروندی را می‌باشد نظری و فکری تحویل مفهوم آن تشکیل داده که در نهایت علماء تعریف نوین آن را در عرصه بست‌مدیری نیازهای عملی در بادی امروز به نظر می‌رسد که هویت از اinem مهاجران در ادبیات نوین حکومتی بست‌مدیری، مجموعه حق‌ها و آزادی‌های نوینی است که عمده‌ای دست‌یافته از زمینه‌های حکومتی مطلوب بوده و علاوه بر تقویت مفهوم دموکراتیک و حکومت مطلوب در بدن حکومت، شهروند را به عنصر فعال در اداره امور کشور می‌ساند. در این مقاله بنا هدف تبيانی نظری مفهوم نوین حقوق شهروندی در عرصه بست‌مدیری حکومت تلاش می‌شود تا در ابتدا گفتگه‌های نوین خرددرگایی، شهروندی فعال و حقوق شهروندی جهانی که پیشنهاد اصلی دست‌گاه فکری دولت عقل و پس‌سربندی را در این رابطه با یافته‌است، تبیین یافته و سپس با...
بحث و تحلیل هنجارهای حکم‌ریزی مطالب و اداره شایسته که استخوانی اصلی حقوق نوین شهرندان در عرصه کانونی حکم‌ریزی را تشکیل می‌دهد، از رهگذر شرح تعاملات دولت‌های فراتنی‌های امروز با حقوق شهرندی، به پاسخ جامع و قابل کنده‌ای در رابطه با سؤال اصلی مذکور دست یافته شود.

فرهنگ خردگرایی، شهرند فعال و حقوق شهرندی جهانی
در بی‌جهانی، جهانی دوم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، اعلامیه حقوق بشر را پذیرفت و اعضای شورای اروپا، چهارم نوامبر ۱۹۵۰ کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را تصویب کردند. رفع‌فرشه مفهوم «حکم‌ریز» چندبارچه و اقتتال بر خرد شهرندان در اداره حکومتی هم با عوامل مطالب شهرندان در برابر قوای عمومی قد علم کرده و با مجموعه «حقوق بشری» در هم آمخت. بسیاری از اسناد بین‌المللی به وجود آمده که به این عرصه فروم‌داده و نقش اقتصادی شهرندان را در عرصه قانونی به عنوان قدرت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیراً اقتصادی فراهم نموده، برای نمونه پیمان اتحادیه اروپا (با به طور غیر رسمی پیمان ماستریخت) در سال ۱۹۹۲ در شهر ماستریخت کشور هلند تصویب شد که منجر به ایجاد اتحادیه اروپا و خلق بورس شد. این پیمان مبناً از پی نظریات پست‌مدیندنشدن حقوقی و سیاسی مختلف دنیا به دنبال ایجاد یک ابردولت یا دولت جهانی بود که شهرندی را در اروپا به یک مقام روبرو به رشد می‌آورد و آن را در دوره فرامدرن قرن بیست و پنجم مؤثر بر فرهنگ شهرندی (پژوهش‌های ناقص مورد نظر) که با کنار گذاشتن مرزهای دولت‌های بنا بر جریان‌های امتداد اطلاعات، کالاها، ابزارها، سرمایه‌ها و غیره است. با کاهش تدریجی تراز دولت ملت به عنوان اجتماع سیاسی بنیادین مورد اشاره شهرندی، این سؤال بدین آمد که اینده مفهوم شهرندی در جهان متحول امروز چیست و به طور کلی چه حق‌های نوینی برای این گونه خواشای شهرندی قابل تصور است؟ یکی از منفک‌های این باورند که به مور از میان‌رفن رابطه میان شهرندی و دولت – ملت این رابطه میان شهرند و جامعه جهانی برقرار خواهد شد که این رابطه بر اساس حقوق بشر خواهد بود. بر این باره نگهداری اجتماعات انسانی فرامتنی بر اساس هیات‌های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی مشترک دولت – ملت‌ها جای خود را به نهادهای فرامنی خواهد

سال دوازدهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۶

فصل‌نامه حقوق پزشکی
دان (2)، البته این کنگ با انتقاداتی جدی رو به رو شده و آرمانگرانی آن مورد چالش قرار گرفته است. لذا به نظر بسیاری از کشورهای دیگر، بهتر است با توجه به ظهور ورود فرامندرن از این نوع بیستم، با این ادعای داشته که در حال حاضر در ابتدا، پس مهر مفهوم دولت، شهرهند، حقوق و حاکمیت قرار داریم و آن چیزی که در حال حاضر در حال مشاهده است. ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای حقوق شهرهند جوامع مختلف است و این امکان سوق به دولت جهانی را در آنها ده‌ها نداهد. مفهوم نوین شهرهندی، ذوق‌تینی است: علاوه بر مشارکت حقوقی در ابها حقوق بین‌المللی هم در دوران خود بهره می‌برد.

در فرانسه چهاردهم، از تأثیر محدودیت‌های حقوقی‌ای بر نظام سیاسی اجتماعی کاسته آتش‌نشانی می‌گردد. به طور روزافزون از رفت‌رق شدن این محدودیت‌ها آگاهی می‌یابند. در مفهوم فرامندرن شهرهندی، شهرهند فصل مشترکی با مفهوم «ملیت داخلی» و «ملیت جهانی» دارد. بدون ترددی، حقوق بشر، حقوق فرایند و دربردارنده حقوق فرایگان و بنیاد، صرف نظر از فرهنگ و آداب و رسوم ملی کشورها است که به شهرهند، موجب‌کننده فرایندی نیز می‌دهد. از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نظام حقوقی شهرهندی نیز به اهداف "حق مداران به شهرهندی" در پی بی نیمه جهانی اسلامی و دولت جهانی اسلامی است.

از جهت اعمال حاکمیت، را غفلت یا شکل میدهند. (3) هم‌چنانکه در سال‌های گذشته "Active Citizen" یک بحث جدید تحت عنوان "شهرهند فعل (4) گزارش شده است (4). در این معنا، شهرهندی نه یک مفهومی متفاوت‌الحالی بلکه یک مفهومی فعالیت است و با سلطه ناسازگار است. فرد از رهگذری اعمال حق و تعهدات، شرایط ضروری شهرهندی را با تولید می‌کند (5).
در عرصه نوین، شهرشنون فقط یک مطبوع قانونی و منکی بر دولت نیست بلکه خود نیز می‌تواند موجبات پیداکننده هنجرهای حقوقی را پدید آورده و نیز در گستره اداره کشور به خوبی مشارکت داشته باشد. در این مفهوم جدید از شهرشنون، نه تنها افراد اختیارات گستره‌ای در نشان‌دادن استعدادها و توانایی‌های خود برای اداره بهر جامعه دارند، بلکه مرزهای جغرافیایی و در یک‌ها کشور به روز آن‌ها با می‌شود تا با مشارکت در عرصه‌های جنگ‌گاهی، فرامی علاوه بر رشد و توسعه بشرت، کشور خود در ارتقای سطح پیشرفت جامعه جهانی نیز سهیم باشد. لذا دولت‌ها صرفاً به تکیه بر خود اداره جامعه را به عهده نمی‌گیرند، بلکه با پیش بینی حقوقی نوین برق شردون و ایجاد بستریهای لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای او، امکان اداره امور جامعه بر پایه عقلانیت شردون و با وجود امر و با مروم از اراده حداقتی به ارادی و مشارکت حداکثر گام می‌دهد. از جمله مهم‌ترین مصداق این طرف تفاوت نوین، که نشان‌گرفته از مفهوم پسادمن حاکمیت است، می‌توان به امر خصوصی‌سازی و اداره امور توسط بخش خصوصی و نیز امکان ایجاد شرکت‌ها و نهادهای بین‌ملی اشاره نمود.

حاکمیت پسادمن برخلاف نوع مدرن آن، اقلام را مهر می‌کند. اما در عین حال که آن‌ها را آزاد می‌گذارد. این مهر رفتاری شهرشنون در جامعه از سوی حاکمیت بسپاریون، با جبر نیست، بلکه با پذیرش است. حاکمیت پسادمن به کار نظام‌دادن و تقویتگردن زندگی می‌آید و به برکت علوم مختلف، نفوذ‌های سر به راه و شهرشنون، عمق و خودادیش ایجاد می‌کند. موجبات رفاه بشری برای هنگام فراهم می‌آورد. این نوع اصلاح قدرت را را پیش بکار، از اندیشمندان بر جسته پسادمن، زیست، قدرت انطباقی می‌نمود که در جهت برانگیختن توافت کردن، بهبودی، و نظام‌بخشند نیروهای تحت خودکار می‌کند. قدرت متمایل به نیروی سازندگان و نیز منابع و مطیع‌سازی که آن را رشد داده و انتظار می‌بخشند (۶)، بر پایه ادیب‌جوی فوکو، در حاکمیت پسادمن بهره‌برداری دارد که به‌تدریج به‌مقدار هر جدید قدرت می‌آید و با بهم جنبه‌های زندگی مرتبط شده‌اند. برخلاف موجبات بخش‌پیشین حاکمیت که اعمال آن، آن با به‌پایین متهمکرد، ادواری، مشهور و افرادی کمی بود، حاکمیت پسادمن، از پایین به بالا، پراکنده، پیوسته، نامشود و دانسته حیات اعمال بسیار جزئی هم در کلاسیستیک، در سیاست (۶) در جنین وضعیتی شهرشنون تحت وضعیت دوکاگی، قرار دارد: اعمال قدرت به‌دیگران» و «تحت اقتدار قدرت دیگران بودن» و دیگر حاکمیت، صرفاً جنبه فیزیکی ناشده‌و
آریه پتفت، پرزیست دِقاوی
اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.

اثشات ... ٚی کیب٘ت وشدٜ ٚ ثؼتش سا ثشای حوٛس فٔبَ ٚی دس تٕبْ ٓشكٝ ٞب خٟت 
أٔبٖ ثبسلٝ ٞبی ٓملا٘ی ٚی دس اداسٜ أٛس وـٛس فشآٞٓ ٕ٘بیذ.
حقوق شهرنشین در بر تو تحقق حکمرانی مطلوب و اداره شایسته

در جهان متحول امروز، نقش دولت نسبت به آنچه تا پیش از این بیست و یکم ایفا می‌گردد متحول و مسئولیت آن متفاوت شده است؛ بنابراین دلیل که جهان امروزی به کثرت نیازهای مواجه است و دولت‌ها به تنها قدار به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. از این رو نقش آفرینی شهرنشین در عرضه اداره امور کشور امروز اس احتمال نابنازی شده است. از طرفی دولت‌ها با پیش‌آیندی قابلیت‌های خود از طریق پیاده‌سازی نیروی تازه در نهادهای عمومی، توکان پاسخگویی به نیازهای جدید را افراطی دهنده. این مهم نیازمند اگرچه جدیدی است که نباید از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی و خصوصی استفاده نمود تا خدمات عمومی به کیفیتی حداکثری به شهرنشین ارائه شود. امروزه دولت‌ها برای مدیریت و اداره امور جامعه راهی به جز زمینه‌سازی برای توسعه دموکراتیک و تبعیض زیاده معلامه‌ای اداره بهبوده امروز عوامل نیافته‌اند و در این راه به شکل تاریکی از حاکمیت دست یافته‌اند که ابزار این بحری Good نام‌ ناپیماند و آن به جای شکل تاریکی از حاکمیت مطلوب که به پیش‌سازی ارائه و Governance دستگاه‌های دولتی برای ارائه خدمات عمومی است را تحت عنوان «اداره شایسته، خوب یا مطلوب (Good Administration) نام نهادند.»

ایجاد اداره مطلوب چنین مشابه با ساختن یک «مدینه فاضله» در بدن حکومت» به طریق فلسفه اسلامی با «آرمان شرک در دستگاه‌های دولت» در خوانش فلسفه حکومت امروز شهرداری با اداره مطلوب، به دستگاه‌های اداری کارآمد، مفید، اگاه، پاسخگوی نیازها و مسائل شهرنشین، شفاف، مسئول و پذیرای حائز نظام اداری نمونه و شایسته، دارای کارکنان متخصص و اخلاق مبار، سریع، مطلق با قانع‌کردن، خوش‌خیال و متقاضی روز جامعه پیشرفت، توسعه‌فرمانه.

تشکیل کننده حقوق شهرنشین و به طور کلی پیشرو در عرضه اصول حکمرانی مطلوب است (11). از این رو مفهوم مردن حکمرانی، حقوق مردنی برای شهرنشین نیز ایجاد نموده و واقع هر یک از این تکالیف در کیفیت خدمات دولت، حق مناطق نوسان برای شهرنشین ایجاد می‌کند. اداره مطلوب در پی آن است تا نقش دولت را در حذف هواهای کننده و پاسار قوانین محدود کند و از ارائه خدمات مستقیم آن برای شهرنشین باکدید و با حذف امکان، به بخش خصوصی، ایمن خودشهرنشین و اکثر نماید تا به معنی واقعی دموکراتیک، بی‌هنای حکومت مردم
بر مردم تا لث می‌شود. بنابراین علاوه بر حقوق نوین شهروندی منتج از اشراف مطلق، حق بازیگری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری در اداره امور کشور شهروندان در امتیاز حکومت مطلب هم ایجاد می‌شود (12).

در گذشته در خصوص حکم‌رسانی مطلوب، تنها متغیری که شهروندان باشد تأکید می‌ورزند و امکان تغییر آن برای یک مصوبه، یا تغییر شرایط حکم‌ها حاکم و با نهایت در عصر مدن، شاخص‌های حکومت بود، اما در حال حاضر (عصره بسوی مدرن حکومت) که تقریباً از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، باید داشته حکم‌رسانی، ویژه‌گی شرایط حکم‌های جدید قرائت و امروزه علاوه بر ارتباط شایسته شاخص‌های حکم‌رسانی (حقوق)، تلاش زیادی برای ارائه ساختاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مطلوب (فرایندی) صورت می‌گیرد، لذا توجه دوئای امروزی علاوه بر نظام شایسته حقوقی، به نظام‌های حقوقی نیز مطلوب است. ویژه‌گی مثبت حقوقی دستگاه دولت درصد کمی از تغییرات حکم‌رسانی را تفسیر و تجربیات می‌کند و اگر ساختار و زمینه‌ها معیوب باشدند، بر فرض که بتوان به‌هترین نظام حقوقی را در مقام حکم‌رسانی قرار داد، این کار جن بسیار بیشتر از در کور است که با اخواه روبید یا تمری ندارد، چون آن‌چه که امروزه اهمیت به سرایی یافته، توجه به عواملی اجتماعی و عمیق علاوه بر مسائل حقوقی و قانونی است، از این رو بخشی از نظام اشراف مطلق را توجه به ساختار حقوقی شایسته در دستگاه دولت و بخشی را ساختاری حقوقی شایسته در آن تشکیل می‌دهند.

در نظام حقوقی ایران، حکم قانون اساسی به «ایجاد نظام اداری صبح و عادلانه» (۱۳) و نیز صرحت قانون مدلپرست خدمات کشوری در همبستگی و اندیشه و اداری برای خدمت‌گزاری به مردم و حفظ حقوق شهروندی (۱۴) می‌تواند باید خوب بازی نهاده شود. تدوین‌کننده قانون مدلپرست خدمات کشوری تحت تأثیر ارزش‌های اداره مطلب و اصول مدنی حقوق اداری بوده و بسیاری از اصول مهم و جدید حقوق اداری، همجون اصل برای، اصل شفافیت، اصل پاسخگویی، را در این قانون مورد توجه قرار داده‌اند. این مسئله ناشی از تعلم اندیشه‌ها و روزگاری های است که در طول تاریخ به اداره و نحوه تعامل آن با شهروندان وجود داشته است. از آنجا که اداره مطلب، فراپنده و اینها اداری را به‌هترین
تحلیل گفتمان حقًق شُريودی در گسترٌ اودیشٍ پساوًیه حکًمت

برداتی که اتّدابی ارووا از حکمرانی مطلوب دارد این است که حکمرانی مطلوب، مدریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است، لذا شاخص‌های هنگامدار حکمرانی مطلوب در این تعیین، حقوق شهروندی نوین جوی حق بر دولت شفاف، حق بر دولت پاسخگو و حقوق نسل سومی مدریت همچون حق بر توسعه اقتصادی و اجتماعی برقرار می‌سازد. در اندیشه اتّتادی ارووا، حکمرانی مطلوب به طور کلی به احترام سیاست‌های و نهادها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون برداخته و به طور خاص به موضوع مدیریت منابع عوومی جهت اجاد اقتصادی بایان و شورهویه‌سازی عاده‌الله مربوط می‌شود (15). به هر ترتیب، هرگاه از حکمرانی مطلوب صحت به میان می‌آید، اساس و بنیان تعیین را «مطلوب» بودن حکمرانی تکیه می‌گذارد. که برای تبیین آن، عووماً شاخص‌های آن را به یک می‌کند که این مؤلفه‌ها تحت لوای اصول مدرن و با عنوان «اصول حکمرانی مطلوب» مطرح می‌سازند. یکی نمونه سازمان ملل، اصول حکمرانی مطلوب، را بودن شرح برشمارد: شفاویت، مسؤولیت بذری، پاسخگویی، مشارکت شهرنشینان، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری (16).
ویژگی‌های حکم‌ریزی مطلوب با اندک تفاوت‌هایی از دیدگاه‌های دیگری نیز مطرح شده است. ممیسین اقتصادی و اجتماعی ملک متحد با آسیا و اقیانوسیه هست ویژگی را برای حکم‌ریزی خوب برخوردار که عبارتند از: مشارکت‌محوری، وقایع محوری، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف‌پذیری، کارآمدی و ازکناری، انصاف و حکم‌ریزی قانون (۱۷). غالب اصول و شاخص‌های حکم‌ریزی مطلوب، مشترک و مورد پذیرش کلیه کشورهای جهان می‌باشد، اما اگر آن‌ها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. این جهت کشورها غالباً خود را ملم متعلق به خود را در زمینه حکم‌ریزی مطلوب مشخص و نیازهای می‌کند. در حقیقت، نوعی بوم‌سازی «حکم‌ریزی مطلوب» در نظام‌های حقوقی صورت می‌گیرد، چرا که درباره حکم‌ریزی مطلوب، همواره با خود ارزش‌هایی به همراه دارند که این ارزش‌ها در هر جامعی را با نوعی تجلی جوامعی تجربه‌ای، نظام‌های فکری، فرهنگی و انتقاد اعتقاد خود را در حرف انگلستان که روبره قضاوت و عرف بسیار مهم است تعیین گسترش حکم‌ریزی قانون با درون‌مایی «حکم‌های هنگامی بنیادی عرفی و اصول و قواعد حقوقی منکر این» و در حقیقی فرانسه که قانون نشسته اهمیت دارد هم با عباراتی همچون «حکم‌قانون اساسی و قوانین و مقررات مبتنی بر آن» تبیین شود (۱۸); در حرف ایران که شرع اسلام بر قوانین حکم است، حکم‌ریزی قانون علاوه بر مؤلفه‌های به کارگیری در تعیین فرانسوی از آن، مطلوب حکم اصل قانون اساسی، «حکم‌های احکام اسلامی» را نیز در دید می‌گیرد.

اهم‌الزمان‌ها بی‌بیان حکم‌ریزی مطلوب عبارتند از: احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی بشر، رعایت اصول حکم‌ریزی، وجود فضای ازاد سیاسی، تشکیل جنبه برتری تشکیل‌دادن در اداره امور کشور (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقداری) تأسیس و برنامه‌ریزی، پاسخگویی در برابر شهروندان و مسئولیت ذهنی، انصاف محوری، شفافیت عملکردی دولت و دستگاه‌ها و مصایل آن و به طور کلی، حق نظارت عدالتی با عادات‌آهار داخلی در پترو اداره مطلوب» (۱۹). غالب ارزش‌ها و مشخص‌های حکم‌ریزی مطلوب را ارزش‌های اداره مطلوب تشکیل می‌دهد. چرا که عموما حکم‌ریزی به تغییرات در نفت، ساختار و فرآیند عملیات دولت، با روش‌های حل مشکلات اجتماعی اشاره دارد. امرزه آموزه‌های فوق از حکم‌ریزی مطلوب و اداره
شایسته، با تأکید بر تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و شهرنشین، با تأسیس دولت فرانتیشی و خصوصی سازی گسترده اموری که نیاز به خدمات اقتصادی را دارند، به دنبال ساختار دولتیی که به امکان پذیردن دولت و خصوصیات اقتصادی امنیتی و اقتصادی بورسیه، آگاهی از انتظار قانونی، توانسته‌ای که در این زمینه استفاده می‌شود.

تعامل دولتهای پیامدهای حقوقی با حقوق شهرنشین
از اواخر قرن بیستم، دولت‌های تنظیمی در نظر دارند که به عنوان دولت فرانتیشی از آن‌ها باز می‌شود. به‌همان‌گونه که در سال ۱۲۸۰، امکان‌ها و ابزاری از آمریکایی‌ها فراهم شد که از دولت تنظیمی فراهم رفته و به شکل پیامدهای حقوقی، به‌طور مطالعه گزارش دولت فرانتیشی اداره شوند. (۱) دولت فرانتیشی، دولتی است که به عقلانیت جامعه به دام و امکان حضور شهرنشین را در کلیه عرصه‌های اداره امور کشور فراهم می‌نماید. این دولت به دنبال آزمودن نفکارکننده استفاده‌ها، قدرت‌ها و زویک‌های مختلف بوده و حکومت مرکزی را در رأس کنترل جهات اجتماعی و اقتصادی کشور قرار می‌دهد. در دولت فرانتیشی، کنترل قوی‌تر، امری پراکنده تلقی شده که هنجارهای کلی توسط دولت تبعیض می‌شود و عمد فنی‌ها و اقدامات تنظیمی جزیی از طریق خود جامعه صورت می‌پذیرد و در این مقوله به دولت حاکم گم‌تر توجه می‌شود. (۲۲)

یکی از مهم‌ترین وجوه توانایی دولت فرانتیشی با دولت تنظیمی گسترده‌گی و تکثر هنجرهای تنظیمی است. دولت تنظیمی به نظام هنجرهای حقوقی در مقررات کاری و تنظیم امور جامعه مشکل است، اما دولت فرانتیشی، چهار نظام هنجرهای اجتماعی حقوقی، اجتماعی و سیاسی را به کار می‌گیرد. (۲۳) بر مبنای تناول نوین نظام‌های حقوقی، هنجرهای قانونی نیز توانای تنظیم جامعه قرار گیرد و نیازی از ارزش‌ها و هنجرهای دیگر غافل ماند. بسیاری از حقوق شهرنشین در سابقه هنجرهای فرانتیشی پیش‌آمدها و می‌آیند، مثل انتظارهای مشروط، حقوق مکننده، حقوق عرفی شهرنشین، حقوق حرفه‌ای و اخلاقی و بسیاری
دیگر، این امر به سوی نظام تنظیمی رویه‌ای گام بر می‌دارد و موجب تکرر هنجاری می‌شود (۲۴). با توجه به نسبت‌گزاری دولت فرانتاظی، هر نظامی برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی، خود با خواسته‌های نوین قانونهای گذشته کن و هنرجویی‌های الازمان، باید با عرف حاکم بر جامعه و محل، مطالعه باشد و تنظیم کنندگان جامعه، می‌پایست فکر خود را با عروض نوین اقتصادی و اجتماعی، وفق دهند که جنین امری نیا به کارگیری، کلیه نظام‌های هنرجوی امکان‌پذیر است و نه فقط با هنرجویی الازمن حرف‌الله، در انتظار همین نوع تکرار هنرجویی است که هنرجویان حقوقی نرم همچون قواعد منشورهای اخلاقی، اصول کلی حقوقی و مانند این‌ها پدیدار شدند (۵).

تنوع هنرجویی دولت فرانتاظی موجب پیچیدگی اداره امور می‌شود. لذا مستلزم حضور پررنگ و فعال شهرهای در عرصه امور جامعه است که دولت را در امر حکمرانی به‌رغم تلاش و از سوی دیگر هم با تکررگذار حقوق شهرهای په‌گیری شده به آنمیان. شهر نظام‌های پست‌مدرن ناپای، لذا دولت فرانتاظی به تعدد نهادهای تنظیمی تأکید می‌ورزد و دولت مرکزی را تنها تنظیم کننده اصول و کلی امور اقتصادی و اجتماعی جامعه عونان می‌کند (۶۲). به صورتی که حتی تنظیم‌گری امور جامعه هم تا حداکثر امکان به نهادهای مستقل از دولت و حتی خصوصی و اکثر دولت می‌شود و دولت نظرات قانونی بر این تنظیم‌گرها (رگولاتورها) خواهد داشت. این گونه رگولاتورها، با مداخله هنرجویی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهان‌های قواعد حقوقی، موجب رشد علی رشته‌ها و ضوابط فرا حقوقی به نظام حقوقی می‌شود. از این رو عوامل بین‌عرض و عملی را با مسائل حقوقی آشیان داده و حقوق شهرهای را به طور دقیقی مورد حماوت قرار می‌دهند. این گونه تنظیم‌گری در دولت فرانتاظی را «فرامن» (Self-Steering) می‌کند. دولت فرانتاظی، در رأس نظیم رفتارها قرار داده و رگولاتورها را به جهت محدود مقررات دولتی عمل می‌کنند. به عنوان نهادهای مقررات گذار و مستقل از بنده حکومت می‌پذیرند. به عبارت واضح‌تر، به جای این که تنظیم امور جامعه تنا به دست دولت قرارگیرد، نهادهای خودفرمان و غیر مرکزی، چنین مسئولیتی را به عهده می‌گیرند (۲۲).

دولت فرانتاظی با به رسمیت‌شناسی رگولاتورها خود فرمان که با پایستر تحت کنترل و نظرات قانونی دولت باشد، به نوعی فرامن‌گذاری (Meta-Regulation) (۲۸) و نظام رویه‌ای تنظیمی را راز می‌دهد (۲۹) که حول محور یک نظام هنرجوی واحد، این قوانین
تحلیل گفتمان حقّیق شُریودی در گسترٌ اودیشٍ پساآوٌی حکّمت

مصوب دولت، می‌گردد. به این معنا که هرچند رژولاتورها می‌توانند مضمون و ضوابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در کل هنیجراهای حقوقی در تنظیم رژولاتورها بخش خصوصی دخیل کنند، اما این‌گونه کنترل‌گیری هنیجراهی نمی‌تواند در چارچوب کلیات قواعد حقوقی امکان‌پذیر است و برای کنترل این قانون‌هایی در عمل‌کرد رژولاتورها و صیانت حقوق شهروندان نسبت به تعریضات اجتماعی آن‌ها، نظارت قیموئی‌ای قانونی دولت بر آن‌ها اعمال می‌شود که اصل حاکم‌یت قانون همچنان برقرار و باقی بماند، اما هنیجراهی حقوقی در رأس سلسله مرتب هنیجراهای تنظیم امور دولت فراتنظیمی قرار دارد. این گونه است که در دولت فراتنظیمی نظام خود و تنظیمی (Self-Regulation)، خود فرمایی و فرامودن‌های (30) حاکم است که متعاقب آن، نهادهای مستقیمی با تعیین استانداردها، از طریق ساز و کارهای مختلف مدیرینی و اقدامات اضباطی، بر فعالیت اقتصادی و اجتماعی اشخاص مختلف، اعمال نظارت و کنترل می‌نماید (31)، حتی با تأکید بر مساله «جهانی شدن» تقویض اختیار مقررات‌گذاری به نهادهای فرامولی نیز به رسمیت شناخته شده که نمی‌آید در نظام احادیه اروپا بخودی مشهود است فراخور همین نظام لیست‌های تنظیمی، نظام کنترلی لیست‌های نیز وجود دارد که مهم‌ترین نقش آن را شهره‌دان این خط کند.

دولت فراتنظیمی با تقومت روش‌های نظارت مردمی همچون ابراز‌های فنوری اطلاعات

(مثل درج کلیه اطلاعات اداره در اینترنت برای دسترسی عمومی و نظارت مردمی) و فنوری ارتباطات (مثل نظرسنجی اینترنتی از کیفیت و شایستگی عملکرد ادارات و میزان رضایت آن)
تلاش می‌نماید تا نوعی نظارت گسترده و هم‌جایی مردمی را بر اعمال دولت برقرار سازد، لذا
دست‌های از حقوق شهروندی مانند آزادی اطلاعات، حق بر نظارت، حق بر توجه به نظرات
شهروندان، حق بر تسهیل نظارت و مانند آن‌ها مقیم نویسی به خود گرفته‌اند (32).

علاوه بر این، دولت فرانسوی‌های در راستای نیل به آرمان حقوق‌شادی دولت تنظیمی،
خصوصی سازی را به حداکثر امکان در کلیه امور حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گستر شی.
می‌دهد. باعث نماسه، همین که مقررات گزاری در موارد جزء به بخش حقوقی و اگذار شده
(گولاتورهای مستقل مردمی) و با این قدرتمندی‌های مهاری مردمی حائز گفتگوی برتر در بدنه
کمک‌داده می‌شود، نوعی حقوق‌شادی حقوقی و سیاسی است، همچنین اگذاری بعضی
امور بهداشتی، خدماتی و اداری به بخش غیر دولتی و نیز بار آزاد از نمونه‌های حقوقی‌شادی
اجتماعی و اقتصادی دولت فرانسوی‌های است، لذا دولت فرانسوی‌های به جای وحدت حکمرانی،
شکل حکمرانی متکرراً در اداره امور اقتصادی و اجتماعی جامعه، به کارگرفته می‌گردد (4).
این امر باعث می‌شود که شهروند در تمامی عرصه‌های جامعه، امکان حضور فعلی داشته باشد و
جامعه‌محوری جای دولت‌محوری را در خرد حکمرانی‌خوانید. این‌گونه حکمرانی‌سازی و
«Self Governance» همکار در نظام دولت فرانسوی‌های است که نظرخوی گردانی
را مورد تاکید قرار داده است. این عرصه به حذی برای شهروند باز می‌شود که حتی مرزهای
کشورها را در نورتیده و جهانی شدن را به وجود می‌آورد. ارتباط جهانی که به‌دهکده جهانی را
به وجود آورده است، شهروند را به شهروند جهانی مبدل ساخته و‌یا روی از دسته نویسی از
حقوق شهروندی به‌هم‌میاندن کرده است (34). از مجموع حق‌های نویسی که در عرصه دولت‌های
فرانسوی‌های مطرح است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
تحلیل گفتمان حقًق شُریودی در گسترٌ اودیشٍ پساوًیه حکًمت مداری

با تأمین در مجموع مؤلفه‌های اصلی دولت تنظیمی یعنی «حکم‌الینی مکتک شایسته» خصوصی سازی گسترده در راستای ایجاد نظام خودداری، فرم‌های قدرت و حکم نظام خودداری و نیز «هکم‌الینی» منتجه می‌شود که به هسته مرکزی تفکر دولت‌های تنظیمی و هزینه آن، «حکم‌ماری» و «جهانی‌شن» است که از عناصر اصلی حاکمیت پست‌هدنی می‌باشد.

حاکمیت در دولت فرات تنظیمی به صورت قدرتی است که موجب جهت‌دهی به رفتارها می‌شود. این قدرت تأثیر مگذاری، اما عجیب‌گرایانه نیست. هو قدرتی می‌تواند با کمک‌تان براتر خود به مسابه حاکمیت دولت بر روی و دهم کنند، لذا حاکمیت در دولت فرات تنظیمی جبر نمی‌کند، بلکه بر می‌گردد و از این طریق، عامل را تنش‌زا و دشوار می‌کند. محدودیت‌های ایجاد کرد و یا مطلق‌اند و نه باید می‌کنند (25). دولت در این نوع حکومت‌مندی، مجموعه‌ای از زیعی، نمایشگاه‌ها، تأمین‌های نهادها و تأکید‌ها را به کار می‌برد. حکومت‌سیدی، اعمال حاکمیت می‌کند و آماده اصلی قدرت آن، قدرت‌های اندیشیدن است (36). حکومت‌سیدی، دولت‌های می‌باند که موجب بچای دولت و پیش‌فرت جامعه است. هر شورای حاکمیت در دولت نیز بوت‌پوش‌ای با قدرت روبرو و برخی می‌بود. اعمال قدرتی که به مثابه قدرت می‌باشد به قدرت‌های رقیب، اعمال قدرت‌کننده را ایجاد می‌کند. این اعمال مستلزم بود که اصلاح‌های بی‌پروی و دیپلماتیک ابزارهای داشت و تنک‌الوزنی است. دولت فرات تنظیمی با خصوصی
سازمان حقوق پزشکی

سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، پاییز 1397

65

سازی گسترده (در تمام عرصه‌های اداره امور جامعه)، ایجاد نظام خودکارسازی و خودبازرسی، حکومت‌های مند، شده و امکان عقل‌گیری شهروندی و عقل‌گیری جامعه را برای حضور قدرت‌های غالب با گفتگوهای برتر فراهم می‌کند، لذا شهروند این حق را در دولت فرانسوی دارد که بنواند عقل و خرد خود را در اداره امور کشور دخیل نماید و شاید این امر مهم‌ترین حق شهروندی کنونی حیات نظام‌های حقوقی را رقم می‌زند. مهم‌ترین بستر این امر را خصوصی، سازی و ایجاد رقابت برای و منصفانه ممان باید‌راک فعالیت خصوصی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اداری رقم می‌زند.

حکومت‌های دولت فرانسوی‌ها را در رأس حیات اجتماعی قرار داده و به عنوان مرجع اداره امور کلان می‌پذیرد که زیر سایه هنجاره‌ای اصلی آن، شهرسازی و نهادهای مردمی، در بستر باز و جامعه مدنی و همچنین با حضور نامه‌گانشان در بدن حکومت‌های دولت، اداره امور جامعه را به عهده می‌گیرد. بدین واسطه، شهرسازی افق پیش روی خود را گسترش و نامحدود دیده و ناشی می‌کند که به‌طور ابزار دانش مهیج شده و بنواند در عرصه قدرت‌های بزرگ و بزرگ‌تر نش افرادی کند. این امر به شهرسازی، پژوهش و انگیزه داده و وی را به فعالیت بسیار ترغیب می‌کند. چنین تحریک فکری را موجب شکل‌گیری "هنر حکومت" یعنی "ساماندهی مکانیسم‌های درونی و پیچیده" می‌دانند که کارکردشان، محدودیت حکمرانی دولت از یک‌پاره و تقویت آزادی گرایی‌های شهرسازی سوی دیگر است (32). در این روند، "تکنیک‌های خرک شهرسازی" به جای "تکنیک‌های خرک حکومت" مورد تأکید است. بدین معنا که عقل‌گیری جامعه جایگزین غفلتگی صرف حکومتی شده و جامعه را تندیش به مکان آزمون پذیری کرادهای حکومتی نموده که موجابات "اندک حکومت‌کردن دولتی" و "حکمرانی پیشرفت در دولتی" را برده می‌آورد، لذا در اداره امور از صوب خصی غیر دولتی، گفتگوهای با روابط و عقل‌گیری خود و جوهر ابتدایی خود را نمایان ساخته و از سپیدگفتگوهای، با نوعی خالص‌های نظری خود، برخی آید و با نیل به قدرت غالب، دست به تنظیم رفتارها و اعمال افراد که با آن رابطه اجتماعی دارند، می‌زند (38).

کُر گرایی در دوره نوین حکمرانی دولت فرانسوی‌ها، آموزه‌ای است که با توسیع به دموکراسی و تولید نیروی، امکان حضور گروه‌های متعدد را در عرصه حکایتی نیز فراهم می‌سازد. لذا عمل‌ها مرزهای ملی را از میان برده است و دردها را برای طرح گفتگوها در حوزه
جهانی بارگشوده است (39). از این رو نوعی حکم‌گذاری جهانی بی‌انرژه است که حمایت شهروند جهانی از هر گونه روابط سلطه‌آمیز قدرت است (40). در جنین عرصه‌ای، علاوه بر حقوقی که شهروند در حوزه حقوق داخلی به‌هم‌رست، دسته‌نونی از حق‌ها که عموماً حقوق بشری مستند نیز از سوی جامعه جهانی به وی عطعا شده و به عنوان شهروند جهانی از این حقوق و آزادی‌های وی در بر اثر گونه عرض قدرت‌ها صبایت و تکذیدی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با تأمل بر مسائل مطرح‌های در این پژوهش دریافت شد که در عرصه پاسخ‌گویی، شهروندی عضوی از جامعه جهانی و کشور مشبع خود محصور می‌شود که تحت لواه قوانین ملی و قوامی از دست نمی‌اند؛ حقوق و آزادی‌های شهروندی به‌هم‌رست، یادآو گردیده است به عنوان فعال شناسی در عرصه چند‌جهانی پیده‌های بشری با انتقال بی‌خود خود نقش آفرینی کند و عملای بخش مهمی از اداره امور کشور را به عهده بگیرد.

امروز دولت‌ها برای مدیریت و اداره امور جامعه با تقیت خصوصی سازی و سیستم‌های حضور مؤثر شهروندی، توسیع دموکراسی را زمینه‌سازی کرده و با تأکید بر ارزش‌های حکم‌گذاری مطلوب، حقوق نوبن شهروندی را بی‌حرمت و تضمین می‌نماید؛ از جمله مهم‌ترین این حق‌ها عبارتند از:

حق بر اداره کارآمد، حق بر خدمات عمومی مفید، حق بر دولت پاسخگو هزینه و دولت سواد.
حق بر دولت مسئولیت بذیر، حق بر اداره متخصص و اخلاق بدار، حق بر خدمات عمومی سریع، حق بر فناوری، حق بر توسعه و دیگر ارزش حکومت مطلوب و اداره شابسته، از این رو مفهوم مدرن حکمرانی، حقوق مدرنی بارای شهرهاندن نیز ایجاد نمود و در واقع هر یک از تکلیف دولت در حکمرانی شابسته، حق متناصر نوتبی بارای شهرهاندن ایجاد می‌کند.

امروزه مضامین حکومت مداری، نقش فعال شهرهان جهانی و نیز ارزش‌های حکمرانی مفهوم که محتوای مفهومی پست‌دن حقوق شهرهندی را به وجود می‌آورند در دولتهای تفکری مورد تأکید جدی قرار گرفتند. دولت فرانسوی، دولت ایتالیایی، دولت رومانی از جمله اعلاهی این حکمرانی را در کلیه عرصه‌های اداره امر کمی کشور فراهم می‌نماید و در واقع اساسی ترین حق شهرهاندن به حکومت مدرم بر مردم را سرلواح سیاست‌گذاری و عملکرد خوبی قرار می‌دهد. این دولت به دنبال آزمودن تفکرات، استعدادها، قدرت‌ها و روش‌های مختلف بوده و حکومت مرکزی را در رأس کنترل حیات اجتماعی و اقتصادی کشور قرار می‌دهد.

در دولت ایرانی نظام خود‌پروری، خود فرمانی و فرامرآهی نژادی حاجم است که علاوه بر سنونای حق شهرهندی به شرکت در هنگارسازی در جامعه، با پیش‌بینی نظام جدگان تنظیمی، نظام کنترلی چندگانه شهرهاندن و بارزگان اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی جامعه را نیز به وجود می‌آورد. این عرصه به حذی برای شهرهندی بارای می‌شود که حموی مدرمی کشورها را در نوربرده و جهانی‌شنی را به وجود می‌آورد.

ارتباطات جهانی که دهدکد جهانی را به وجود آورده است، شهرهندی را به شهرهندی جهانی می‌سازند. ویژه‌ای از دسته نوتبی از حقوق شهرهندی بهره‌مند کرده که دولت جهانی از آن حمایت می‌نماید؛ بعضی مصادیق این حقوق لههندی مبتنی بر حکمرانی فرانسوی و نیز حقوق جهانی و نهاد مدرمی، حق بر ترویج و مبادلات فرهنگی، حق بر ارتباطات جهانی، حق بر توسعه و پیشرفت، حق بر تنظیم‌گری شابسته، حق بر عضویت در رگولاتوری، حق بر تأسیس شرکت فرمالی، حق بر رقابت و منافع از ازای طرح فنی‌شناسی، حق بر تکنولوژی، حق بر مشارکت در کلیه عرصه‌های اداره امر در گستره ملی و فرمالی، حق بر حکومت مداری، حق بر مراودات جهانی، حق بر حکومت مداری شابسته، حق بر مقررات باینگوکو، حق بر خودگردانی، حق بر هم‌مریدی از حقوق شهرهندی جهانی و حمایت دولت جهانی، حق بر احترام به هنجره‌ای عریق و دیگر حقوق نوتبی از قبل.
در نهایت می‌توان به خوبی دریافت که حقوق شهروندی، مفهومی است که در عرصه بستر مشارکت مؤثر شهروند در هنگام راهبردهای اجتماعی و کنترل مقتدر بر ارکان قدرت فراهم نموده و دولت را ملزم می‌دارد تا با ایجاد فضای تبادلی جمعی حکومت و شهروند، عملکرد مشترک فعال شهروندان در اداره کلیه امور های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی اداری جامعه را تضمین نموده و به پراکندگی مرزها به روش جامعه جهانی و تقویت حمایت دولت جهانی از شهروندان، حقوق جهانی وطنی را نیز در روح کلید حقوق شهروندی ملی بهدم.
References


13. Islamic Republic of Iran Constitution. Article.3.